

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ

* در لغت خلیفه را چنین معنا کرده‌اند؛ من یخلف غیره و یقوم مقامه و السلطانُ الاعظم (کسی که جانشین دیگری می‌گردد و به جای او می‌نشیند و همچنین سلطان اعظم را خلیفه گویند) و فی الشَّرْع: الامام الذی لیس فوقه امام. (و در شرع، امام و پیشوایی را می‌گویند که بالاتر از او پیشوایی نیست). 79.

* دو دیدگاه در حقیقت و مصداق خلیفه الله وجود دارد:

- انسان بالقوه خلیفه الله است .

یعنی اگر فردی استعدادهای خود را شکوفا کند و در مسیر عبودیت خدا قدم بردارد و به‌هنگام بندگی برسد به جایگاه خلیفه الهی رسیده است و او شایسته اینست که آینه ی خدا نما باشد .

- خلیفه الهی فقط شأن حجت خداست نه همه ی انسانها .

براساس این معنا لازم است؛ از ابتدای خلقت بشر همیشه یک حجت الهی در بین انسانها حاضر باشد. از ابتدای خلقت انسان در هر زمانی یک حجت الهی باید در بین انسانها باشد تا واسطه تمام فیوضات الهی بوده و هادی و راهبر امت به سوی خدا باشد. آن حجت الهی در زمین همان خلیفه الله است. لذا در بدو خلقت انسان حضرت آدم (ع) خلیفه خدا بوده و در هر زمانی پیامبر آن زمان جانشین خداوند در زمین بوده است،

و در دورانه‌های بعد از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام خلیفه های الهی هستند .
در عصر ما هم امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام خلیفه ی خدایند. (به نظر این دیدگاه صحیح به نظر می‌رسد) .

* وضع خلیفه به دست خداست

77 - الکافی (ط - الإسلامية)، ج 4، ص 559

78 - الکافی، ج 4، ص 275

79 - اقرب الموارد / ماده خلف

خلیفه الله، نماینده و جانشین خدا در زمین است و چنانکه از اضافه واژه « خلیفه» به « الله» برمی آید این خلیفه توسط خود خدا باید منصوب گردد نه مردم.

نیز در دو جای قرآن کریم تعبیر خلیفه الله آمده است، که در هر دو جا، نصب و جعل خلیفه به صراحت به خداوند نسبت داده شده است:
الف . خدا در سوره بقره آیه 03 میفرماید: **إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً (من، قرار دهندهی جانشین در زمین هستم)**

ب . خداوند در سوره ص آیه 27 خطاب به حجت الهی و پیامبر خود حضرت داود عَلَيْهِ السَّلَام میفرماید:

يا داودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ؛ ای داود ما تو را در زمین خلیفه قرار دادیم، پس بین مردم به حق داوری نما.

77 - الکافی (ط - الإسلامية)، ج 4، ص 559

78 - الکافی، ج 4، ص 275

79 - اقرب الموارد / ماده خلف

* خلیفه ی خدا بودن، عظمت فوق العاده ای می خواهد

همانطور در نکات ذیل صفت « باب الله » گذشت، باید بین باب و اصل خانه سنخیت و هماهنگی وجود داشته باشد؛ اینجا نیز بایستی بین خلیفه و آن کسی که خلیفه جانشینی او را دارد سنخیت و شباهت باشد و الا نمیتواند صلاحیت جانشینی او را داشته باشد و این نکته عظمت فوق العاده و جایگاه بلند امام را می رساند. زیرا امام جانشین خداوندی است متعال، خدای حی قیوم جبار و متکبر و و خداوند در هم کوبنده ظالمین و منتقم از مظلومین و.. است .

* امیر المؤمنین خلیفه الله است

از امام صادق علیه السلام روایت شده است: وقتی روز قیامت شود از دل عرش منادی ندا سر میدهد، « **أَيْنَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ**؛ کجاست خلیفه خدا در زمینش» پس در این هنگام داود نبی علیه السلام در اجابت آن صدا بلند می شوند و ندائی از سمت خدا می آید که ای داود تو را اراده نکردیم هر چند که تو هم برای خدا در زمین خلیفه بودی. سپس دوباره ندا داده میشود، « **أَيْنَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ** » و در این هنگام امیر المؤمنین علی علیه السلام بلند میشوند و صدایی از جانب خداوند می آید، ای انسانها این شخص که مبینید علی بن ابیطالب خلیفه خدا در زمین و حجت او بر بندگان است پس هر کس در دنیا به ریسمان نجات او دست انداخته است الان هم به ریسمان نجات او دست اندازد... »

* وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه در زمان ما خلیفه الله است

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم در ضمن معرفی مهدی (عج) در جمع اصحاب خاصشان در فرازی از فرمایشاتشان اشاره به ندایی آسمانی نموده که در ضمن آن نداء امام مهدی (عج) اینگونه معرفی شده اند :

وقتی مهدی خروج میکند « **مَنْ دِيْنَادِي هَذَا الْمَهْدِي خَلِيفَةُ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا...**؛ منادی نداء سر میدهد که این مهدی خلیفه خدا است پس از او پیروی کنید و او زمین را از عدل و داد پر میکند همانطور که از ظلم و جور پر شده است. 81.

تحقق کامل خلیفه الله ی امام زمان (عج) پس از ظهور ایشان و با تشکیل حکومت حضرت خواهد بود. آن خلیفه و جانشینی که اراده الهی و عبودیت خدا را در زمین به طور کامل منتشر می کند .

در تفسیر آیه استخلاف در سوره نور « **وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (٥٥)** »

« امام صادق (ع) میفرماید: آن کسانی که به ایشان وعده جانشینی و خلافت در زمین داده - شده اند امان هستند. یا در جای دیگر فرموده اند که مصداق این آیه قائم ما اهل بیت یعنی مهدی (عج) است. 83.

۱- إرشاد القلوب إلي الصواب (لدى لمي)، ج 2، ص 632

81 - كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر، ص 151

82 - نور / 55

83 - الكافي، ج 1، ص 491

*چند پرسشی از کسانی که خلافت حضرت علی علیه السلام را قبول ندارند

- ۱- این مطلب از دو حالت خارج نیست که یا پیامبر اکرم (ص) برای خود جانشین تعیین کرده اند یا نکرده اند اگر نکرده اند پس کسی حق ندارد بجای پیامبر و خدا جانشین تعیین کند. زیرا قرآن می فرماید:
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (حجرات 1) پس چرا شما جانشین تعیین می کنید؟
- ۲- آیا جانشین برای حضرت لازم بود یا خیر؟ اگر لازم بود آیا خود پیامبر اکرم (ص) و خود خداوند نمی دانستند که این کار لازم است؟
- ۳- اگر جانشین باید توسط مردم باید تعیین شود پس چرا عمر و ابوبکر خود برای بعد از مرگشان جانشین تعیین کردند؟
- ۴- وقتی که مردم حضرت علی (ع) را انتخاب کردند چرا معاویه قبول نکرد؟
- ۵- اگر اطاعت از خلیفه پیامبر (ص) واجب است چرا طلحه و زبیر وقتی بر علیه حضرت قیام کردند کسی آنها را خارجی نخواند ولی زمانی که امام حسین (ع) قیام کرد همه او را خارجی خواندند؟

و ناصر حقه

*ناصر در لغت به معنای یاور و یاریگر است. 84. و ناصر حق الله یعنی کسی که یاریگر حق خداست و نسبت به تحقق اراده خداوند پیشتاز است.

*حق خدا چیست؟

امام سجاده (ع) در این باره چنین فرموده‌اند: ... فَأَمَّا حَقَّ اللَّهِ الْأَكْبَرُ فَإِنَّكَ تَعْبُدُهُ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِإِخْلَاصٍ جَعَلَ لَكَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَكْفِيكَ أَمْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ يَحْفَظَ لَكَ مَا تَحِبُّ مِنْهَا.

پس حق خداوند که بزرگترین حق است؛ بر گردن تو آنست که فقط بنده او باشی و در عبادت و بندگی شرک نورزی؛ پس وقتی که چنین بودی و بنده مخلص او شدی؛ خداوند نیز بر خود واجب می کند که دنیا و آخرت ترا کفایت نموده و آنچه را که از دنیا و آخرت دوست میداری برای تو حفظ نماید. 85.

پس حق خدا توحید است. سایر حقوقِ بیشمارِ خداوند بر بندگان از شاخه های همین حق است، چون خداوند در تمامی شؤون فکری و عملی انسان حقوقی دارد که رعایت همه ی آنها لازم است. به این نکته در اوائل رساله حقوق امام سجاده (ع) اشاره شده است .

*حق الله تنها در دوران حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه اداء میگردد

گرچه همه انبیاء و اولیاء و تمامی اوصیاء ناصر حق خدا هستند، نصرت حق خدا و ایفای حق وحدانیت او در عصر و روزگار هر کدام از آنها در حد محدودی بوده است، تا آنجا که در حق نوح پیامبر، بعد از نهصد و پنجاه سال دعوت، قرآن میفرماید: وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ 86،

در روزگار پیامبر خاتم و نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله هم این حق تحقق نیافت. خداوند مقام نصرت حق به طور کامل را به طور عام و کامل در سطح

تمام هستی برای وجود مقدس امام مهدی عجل الله تعالی فرجه قرار داده است. چون در روزگار ایشان است که اثری از شرک باقی نمیماند و وعده آیه ی 55 سوره نور محقق میشود؛ « یعبدوننی و لا یشرکون بی شیئاً. »

پس امام بستر ساز جریان عبودیت در عالم هستند و ظهور، اعتلای کلمه توحید و هدف ظهور، ایجاد جامعه توحیدی است .

*امام زمان (عج) هم ناصر حق خدایند و هم مورد نصرت خدا هستند. (منصور) .

در دعای شب نیمه شعبان میخوانیم: ...وَاللَّهُ نَاصِرُهُ وَ مُؤَيِّدُهُ... 87

در دعای افتتاح نیز اینطور میخوانیم: اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَ أَعْزِّزْ بِهِ وَ انصُرْهُ بِه انصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا؛ خداوند امهدی را عزت ببخش و به سبب او به اهل حق نیز عزت عطا کن و او را یاری کن و به سبب او اهل حق رانیز یاری نما یاری ی که شکست در پی نداشته باشد. 88.

84 - قاموس قران، ج 7، ص 37

85 - الخصال، ج 2، ص 665

86 - هود 40/

87 - مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج 2، ص 248

